

# پیام اعلیحضرت بمناسبت

## سالگرد مشروطیت

امیر فیض- حقوقدان

پیام اعلیحضرت بمناسبت سالگرد مشروطیت را با شیفتگی خاص خواندم متأسفانه شایستگی لازم را در نقد آن در خود ندیدم.

لازمه نقد هر چیزی تسلط بر مورد نقد و بر مفاهیم و معانی و حتی قصد و اراده سخن گوشت . کار نقد همین است که به سراغ ابهامات برود و با تحلیل و تفسیر، ابهامات را بزداید و مسیر حرکت واقعی مطلب را تسهیل کند.

همانطور که ایران یاران گرامی مستحضرنند همه ساله از همان نخستین سال بعد از شورش ۵۷ سعی در نقد بیانات اعلیحضرت داشته ام و کمتر با موردی از بیانات ایشان مواجه بوده ام که نیاز به تفهیم داشته باشم یادم هست شاید یکی دو مورد که انهم در همین اواخر بوده که بوسیله فکس از حضور اعلیحضرت و دفتر ایشان درخواست توضیح و تفهیم داشتم که بی نتیجه بوده است.

در پیام اخیر ایشان بمناسبت سالگرد ۱۴ مرداد واژه ای بکار رفته که اهمیت ظاهری و احتمالا اثری که متوجه آن است جرات نقد پیام را نمیدهد و آن واژه گیتی گرانی است.

نمیشد بدون توجه به این واژه بکار رفته در پیام که کاملا بیسابقه در پیام های اعلیحضرت و حتی در فرهنگ سیاسی مبارزه بسیار غریبه است به نقد پیام پرداخت.

خیلی کوشش کردم به فرهنگ های موجود در دسترس رجوع شد نتوانستم به معنایی برسیم که تفهیم موضوع شده باشد به معنای گیتی رجوع کردم که کاش نمی کردم عظمتی که برای گیتی ارائه شده و تلفیق آن با مقاصد سیاسی جای تردید باقی نگذاشت که نیاز به تفهیم از سوی استفاده کننده از این واژه دارم.

حساسیتی که در این مورد برایم ایجاد شد بدان جهت بر شدت نیاز به تفهیم افزود که در نامه ای که چندی قبل از سوی رئیس شورای تجزیه طلبان مستقیما به سران کشورهای روس و چین و آمریکا و انگلستان و آلمان و فرانسه نوشته شده از آنها خواسته شده که مرزهای ایران را بردارند و تقاضای بنام ملت ایران شده است . تلفیق درخواست از سران کشورها به برداشتن مرزهای ایران با بحث گیتی گرانی حساسیت این تفهیم را بوجود آورد که در کمال علاقه و انتظار و احساس تکلیف میهنی از اعلیحضرت و یا رئیس شورای تجزیه طلبان استدعا کنم که تفهیم بفرمایند که مقصود از گیتی گرانی در پیام مشروطیت چیست.

یادم هست که اعلیحضرت در برنامه تلویزیونی آقای شهرام همایون فرمودند **از من موضوعات مهم را بپرسید** باز میدانم که مهم بودن موضوعات امری نسبی است ولی در فرهنگ ما ایرانیان اصل این است که **سخن بقدر فهم شنونده گفته میشود نه فهم گوینده**.

## حکایت برمزاج مستمع گوی اگر خواهی که دارد با تومیلی

از اعلیحضرت ویا رئیس شورای تجزیه طلبان استدعا دارد که درخواست معروضه که سند حقانیت آن فرمایشات قبلی اعلیحضرت است جدی تلقی بفرمایند.

بحث جانبی درباره تجلیل از انقلاب مشروطیت

در بیشتر مقالات سنگر درباره تجلیل از انقلاب مشروطیت این جمله بکرات ذکر شده است:

### <تجلیل از انقلاب مشروطیت بدون اعتبار دادن به قانون اساسی مشروطیت یک خدعه است>

نتیجه و دستاورد هر انقلابی قانون اساسی آن انقلاب است نمیتوان انقلاب را قبول داشت و تجلیل کرد، و قانون اساسی آنرا محکوم ساخت و در حدی به بی اعتباری آن رفت که صحبت از قانون اساسی جدیدی کرد. انقلاب با تدوین قانون اساسی مشروعیت خودش را به قانون اساسی منتقل میکند. انقلاب هیچ چیز خوبی شناخته نمیشود، خون است خرابی و بی رحمی و التهاب ولی قانون اساسی است که همه آنها را مهار و درنظم و نسقی پایدار و تائید شده قرار میدهد و به همین دلیل است که از قانون اساسی به عبارت خون بهای انقلاب یاد میشود (استفاده از این اصطلاح تمثیلی، مورد علاقه علیاحضرت شهبانو بوده است)

اگر خواسته شود که تمثیلی در رابطه انقلاب با قانون اساسی آورده شود مانند آن است که کسی برای ازدواج خودش قائل به مشروعیت و تجلیل و رضامندی بشود ولی فرزندش را خارج از مشروعیت بداند.

در پیام اعلیحضرت بمناسبت سالگرد مشروطیت نه تنها به دستاورد انقلاب مشروطیت یعنی قانون اساسی و متمم آن اعتباری داده نشده بلکه اساسا با قائل شدن اعتبار و مشروعیت برای شورش ۵۷ تجلیل از انقلاب مشروطیت هم بی قواره بحساب میآید.

چنین گرفتاری که بی مناسبت نیست نامش را مصیبت گذاشت از همان سال ۵۸ در خارج از کشور حکمفرمایی کاذب پیدا کرد، بختیار سخت از انقلاب مشروطیت جانبداری میکرد ولی دستاورد آن انقلاب که قانون اساسی مشروطیت بود را قبول نداشت و میگفت قانون اساسی منهای مواد مربوط به سلطنت را قبول دارم.

### رمز چیست؟

این رمز چیست که همه کسانی که قانون اساسی مشروطه و تداوم سلطنت را در خارج از ایران قبول ندارند، انقلاب مشروطیت را قبول و مورد تجلیل قرار میدهند؟

شاید در خاطر نیاورید که مسئله هجو قانون اساسی مشروطیت و عدم قبول انتقال سلطنت برای اولین بار دستورالعمل وزارت خارجه آمریکا بود که در تاریخ ۱۵ دسامبر ۱۹۷۸ بشماره ۶۵۸۰ محرمانه، به سفارت آمریکا در ایران ابلاغ شد و متعاقب آن بعد از خروج شاهنشاه از کشور طرح هنری پرشت به ضمیمه دستورالعمل وزارت خارجه آمریکا مبنی بر عدم قبول سلطنت ولیعهد و لزوم ارجاع رژیم کشور به مجلس موسسان و همه پرسوی صیغه فعالیت همه سازمان های خارج از کشور شد.

(چون در مورد مزبور در تحریرات سابقه طرح موضوع شده است اجتناب از تکراری مناسبت نیست)

در دستورالعمل وزارت خارجه آمریکا قانون اساسی مشروطیت و تداوم آن محکوم شده است نه انقلاب مشروطیت بدین لحاظ است که نوکران آمریکا طبق دستورالعمل وزارت خارجه آمریکا در عین تجلیل از انقلاب مشروطیت دستاورد آن که حفظ تداوم سلطنت است را محکوم میکنند؛ در حالیکه انقلاب مشروطیت پیوند اصلی و فلسفی با تداوم پادشاهی در ایران دارد و نمیتوان یکی را قبول و دیگری را رد کرد.

در انقلاب مشروطیت جریان پس از اقدام محمد علیشاه علیه مجلس و مشروطیت سهل بود که مشروطه خواهان دنبال تداوم سلطنت نروند و فعالیت روی جمهوری و طرد سلطنت بشود ولی دیدید که اینطور نشد و انقلاب مشروطیت خودش را از نظام شاهنشاهی ایران جدا ندانست و علیرغم جو آن زمان تداوم سلطنت محفوظ ماند.

وزارت خارجه آمریکا همان نقطه حساس انقلاب مشروطیت که سبب تداوم سلطنت شد را چسبیده تا مانع تداوم سلطنت در ایران بشوند. به این جهت تنها مبنای قانونی تداوم سلطنت که قانون اساسی و متمم آن است را قبول نداشته و لاجرم تمام گماشتگان آمریکا یکسره ریشه قانون اساسی مشروطیت را میزنند که زده اند و گهگاهی هم برسبیل عادت از انقلاب مشروطیت تجلیلی میکنند.

### نگاهی به مسیر پامهای مشروطیت

در پیامهای سالهای گذشته اعلیحضرت بمناسبت بزرگداشت انقلاب مشروطیت، آنقدر بی بند و باری که در پیام اخیرشان دیده میشود نبود از باب نمونه در پیام بمناسبت سالگرد مشروطیت در سال ۶۱ و حتی چند سالی بعد، سه رکن زیر کاملاً مشهود است:



یکم آنکه رژیم حاکم بروطن ما رژیمی غاصب و وابسته به بیگانه است.

دوم اینکه حقانیت قانون اساسی مشروطه و کاربرد آن یگانه اسباب رهائی و تامین آزادیهاست.

سوم اینکه مشروطیت ایران کلید نجات وطن است.

در پیام مشروطیت سال ۶۵ این عبارت که بیان کننده تجلیل واقعی از انقلاب مشروطیت است به پیام درخشندگی خاص داده است.

**«ملت ایران آزادی و امنیت و حاکمیت ملی را در پرتو نظام مشروطه و استقرار حاکمیت قانون اساسی میخواهد و بزودی همگی آنرا بدست خواهیم آورد».**

در پیام دیگری قاطعانه جمهوری اسلامی را علاوه بر غاصب بودن، ضد ملی و قرون وسطائی و اشغالگر میدانستند.

بعدها به مرور زمان اصالت انقلاب جای غاصبیت جمهوری اسلامی را گرفت همان رژیم ضد ملی و غاصب و اشغالگر، طرف بیعت شورای ایشان و خودشان قرار گرفت و التماس آشتی ملی با همان جانوران آدم خوار از مبانی فکری و اعتقادی ایشان شد و براندازی جمهوری اسلامی که ۲۵ سال تکیه کلام ایشان و امید و خواست میهن پرستان بود تبدیل شد به (انحلال قانونی جمهوری اسلامی = بیان و فکر عبث و فرستادن مردم دنبال نخود سیاه) - حقانیت قانون اساسی بکل فراموش شد و احترام به آن که با سوگند سلطنت سجین گردیده بود گسیخت و در کنار این ماجرای پرافسوس، وحدت و تمامیت ارضی کشور هم مورد معامله با تجزیه طلبان قرار گرفت و باز در تاسف بیشتر مرزهای ایران هم تعارف به بیگانگان شد و همه اینها درست و کامل در جهت دستورالعمل وزارت امور خارجه برای مخالفین جمهوری اسلامی است که متأسفانه رئیس شورای تجزیه طلبان پرچمدار آن شده اند.

بنابراین به حکم عقل و استنباط از رویدادها میتوان گفت که:

**<تجلیل از انقلاب مشروطیت بدون احترام به قانون اساسی مشروطیت یک خدعه و فریب است>**